

گزارش

پزشکیان: باید از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» خارج شویم

رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه باید از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» خارج شویم تا بتوانیم در محیطی شفاف و قابل پیش‌بینی برنامه‌ریزی کنیم، تصریح کرد: مقام معظم رهبری شهید دستور دادند از حالت «نه جنگ، نه صلح» خارج شویم؛ زیرا در بلاتکلیفی نمی‌توان برنامه‌ریزی کرد. بنابراین ضرورت دارد از ابهام خارج شویم. مسعود پزشکیان دیروز در آیین آغاز سرشماری نفوس و مسکن ۱۴۰۵ با تاکید بر نقش نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در شکل‌دهی به آینده کشور اظهار کرد: با آغاز حرکت سرشماری عمومی نفوس و مسکن ثبتي‌منا، کار بسیار ارزشمندی را آغاز کرده‌اید. امیدواریم بتوانیم از این داده‌ها و شواهد در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها نهایت استفاده را داشته باشیم. او در ادامه با تاکید بر اینکه تحقق عدالت، حق و انصاف در جامعه بر اساس داده‌ها و اطلاعات درست امکان‌پذیر است، تاکید کرد: چنانچه هریک از این مؤلفه‌ها در کشور وجود نداشته باشد، موجب نارضایتی شهروندان خواهد شد. با تکیه بر داده‌ها و شواهد صحیح است که می‌توانیم در منطقه‌نشوری الگو و نمونه باشیم. از مزایای توجه به داده‌ها و شواهد، ایجاد شفافیت در جامعه است. رئیس جمهوری تصریح کرد: این ما هستیم که نقشه بچه‌هایمان، نسل بعدی و آینده را شکل می‌دهیم. این شما هستید که در برنامه و بودجه هدایت می‌کنید که چگونه فکر کنند و چگونه بسازند. اگر ساختار مناسب نباشد، نباید آن را بپذیریم و باید پیرسیم قرار بود این‌گونه بسازید، پس چرا به شکل دیگری عمل کردید؟ قرار بود این کار را انجام دهید، پس چرا انجام ندادید؟ رئیس جمهوری با اشاره به حرکت نظام مدیریتی کشور به سمت استفاده از داده‌ها و شاخص‌های مبتنی بر عملکرد تصریح کرد: اکنون این کار با تکیه بر داده‌ها و شاخص‌ها در حال انجام است. ما می‌توانیم کاری کنیم هیچ حرکتی در کشور رخ ندهد، مگر اینکه ثبت شده باشد.

او در ادامه تاکید کرد: وقتی بتوانیم این کار را انجام دهیم، آن‌وقت می‌توانیم مدیریت، نظارت و ارزیابی کنیم و در صورت نیاز مداخله داشته باشیم تا مشخص شود عملکردها بر اساس حق، عدالت و انصاف بوده است یا خیر. ابتدا باید اطلاعات و داده‌های لازم وجود داشته باشد تا بتوانیم بر اساس آنها تصمیم بگیریم. او با قدرانی از اقدامات انجام‌شده در این زمینه، از جمله اقدامات رئیس سازمان برنامه و بودجه و دیگر مسئولان و دست‌اندرکاران، افزود: کار بزرگی در حال انجام است و از همه عزیزانی که برای پیشبرد آن زحمت می‌کشند، تشکر می‌کنم. باید با قدرت پیش برویم تا بتوانیم داده‌ها را جمع‌آوری کنیم و سپس بر اساس عدالت و انصاف، حق همه مردم را آن‌گونه که شایسته است، اعمال و اجرا کنیم. پزشکیان با بیان اینکه وظیفه مسئولان اجرای عدالت و احقاق حق مردم است، اظهار کرد: وظیفه ما اجرای عدالت و حق است، اما چرا مردم ناراضی هستند؟ برای اینکه عدالت و حق را نمی‌بینند؛ دعواي ما را می‌بینند. او با تاکید بر اینکه اختلاف و درگیری میان مسئولان ضرورتی ندارد، تصریح کرد: لزومی ندارد دعوا کنیم. هرکسی که می‌گوید درست عمل می‌کند، این گوی و این میدان؛ درست‌تر، کارآمدتر، کم‌هزینه‌تر و باکیفیت‌تر عمل کند. من از کسی که درست‌تر و کارآمدتر عمل می‌کند یاد می‌گیرم. اینکه چه کسی راست می‌گوید و چه کسی مذهبی است، در عمل مشخص می‌شود؛ کار هر فرد گویای آن چیزی است که باید انجام بگیرد. او افزود: با فشار و زور نمی‌توان امکاناتی را از گروهي سلب و به دیگری اختصاص داد. حق مردم باید بر اساس ارتباطات و دوستی، به درستی و انصاف تقسیم شود؛ این‌گونه می‌توان روند اصلاح جامعه را پیگیری کرد. رئیس جمهوری با اشاره به آیات دیگری از قرآن، ارائه داده کذب و نادرست را اقدامی ظالمانه نامید و اظهار کرد: برای اداره کشور و توزیع عادلانه حق، نیازمند داده‌های صحیح هستیم. همه باید از شواهد و نتایج علمی و آگاهانه پیروی کنند و چنانچه مدیر یا شخصی از این روند تبعیت نکند، به نوعی ظلم است. بنابراین تاکید می‌شود در فرآیند حکمرانی، مینا و عملکرد ما حتی در دورافتاده‌ترین منطقه کشور باید بر اساس حق و انصاف باشد. اخذ اطلاعات دقیق به تقسیم و توزیع منصفانه امکانات و حق کمک شایانی می‌کند. او بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های نوین و هوشمند را اقدامی ضروری برای ارائه خدمات و پیشگیری از ایجاد اختلاف و تعارض برشمرد و تصریح کرد: با هوشمندشدن ارائه خدمات می‌توان به‌موقع از وقوع تخلف جلوگیری کرد. جی‌نف یا همان بهره‌مندی از داده‌های مکان‌محور، این امکان را فراهم می‌کند تا در لحظه و به صورت برخط، اقدامات رصد شود و به‌طور مثال از دست‌اندازی نادرست به منابع طبیعی جلوگیری به عمل آید. هوشمندسازی ارائه خدمات مبتنی بر شواهد و داده‌های ثبتی دقیق، روش نظارت، جلوگیری و پاسخ‌گویی را اصلاح خواهد کرد و فراینده به‌طور منظم پیگیری می‌شوند. رئیس جمهوری با بیان اینکه برای خدمت به جامعه و آبادانی کشور، امکان فعالیت برای تمامی آحاد جامعه فراهم است، گفت: همه افراد دلسوز می‌توانند در راستای حل مشکلات کشور گام بردارند و پیش‌نیاز تمام این اقدامات، مهدلی و همراهی با یکدیگر است. چنانچه دست به دست یکدیگر دهیم، هیچ مسئله پیچیده و غیرقابل حلی وجود نخواهد داشت. همه می‌توانیم در استان و اقلیمی که هستیم، طرح و برنامه‌هایی داشته باشیم که موجب آبادانی و شکوفایی باشد. او با تاکید بر سخت‌کوشی و تلاش برای برطرف‌کردن مشکلات جاری کشور، اظهار کرد: همه می‌توانیم با تلاش به جایگاه برتر و بهترین دست‌باییم. در روند سیاست‌گذاری و حکمرانی، برنامه‌ریزی حرف نخست را می‌زند و این‌گونه است که پیشرفت معنا و مفهوم می‌یابد. با برنامه‌ریزی می‌توان بستر شکوفایی فرزندان را هموار و برای نسل آینده نقشه راه داشت. تمام اقدامات باید کارآمد باشد و در این مسیر چنانچه نیاز به امکاناتی باشد، آن را فراهم خواهیم کرد. رئیس جمهوری با بیان اینکه در راه عدالت، تعالی، رشد و اخلاق، نیاز است عمل و گفتار با یکدیگر انطباق داشته باشد، افزود: این رفتار ماست که نشان می‌دهد به دنبال حق هستیم یا خیر. هر لحظه باید خود را بر مبنای انصاف و عدالت تنظیم کنیم و یکی از بسترهای این مفهوم، اصلاح نظام پرداخت بارانه است. این فرهنگ باید در کشور جاری شود که از کسی که دارد بگیریم و به کسی که ندارد اختصاص دهیم. اکنون همه باید با یکدیگر همدل و همراه باشیم تا از شرایط پیچیده کنونی خارج شویم. پزشکیان با تاکید بر اینکه باید از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» خارج شویم تا بتوانیم در محیطی شفاف و قابل پیش‌بینی برنامه‌ریزی کنیم، افزود: مقام معظم رهبری شهید دستور دادند از حالت «نه جنگ، نه صلح» خارج شویم؛ زیرا در بلاتکلیفی نمی‌توان برنامه‌ریزی کرد. بنابراین ضرورت دارد از ابهام خارج شویم. از همین رو، مقام معظم رهبری شهید دستور دادند بروید و کار را تمام کنید. اما این نامرده‌ها قاعده را به هم زدند. ولی باز هم معتقدم باید برویم و از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» خارج شویم؛ زیرا ایران و سرزمین ما از معادن، جغرافیا و نیروی انسانی بسیار غنی و استثنائی برخوردار است و هریک از اینها طلا هستند. او تصریح کرد: برای بهبود شرایط باید راهی پیدا کنیم و از این وضعیت خارج شویم؛ زیرا خداوند تمام نعمت‌هایش را در اختیار ما قرار داده است. ضرورت دارد ذهنیت‌مان را اصلاح کنیم و در مسیر درست قرار بگیریم. توصیه می‌کنم هرکسی که در ایران زندگی می‌کند، دعوا و اختلاف را کنار بگذارد تا در کنار یکدیگر رشد کنیم؛ با وحدت و انسجام است که می‌توانیم پیشرفت کنیم. هرکسی می‌تواند در این آب و خاک، نمونه بهتر و بهترین باشد. در این مسیر با یکدیگر رقابت کنیم و اقداماتی مفید، کارآمد و اثربخش انجام بدهیم.

شرق: در روزهای منتهی به انتخابات پارلمانی اسرائیل، محمدعلی سبحانی با در نظر گرفتن تحولات منطقه‌ای و محاسبات سیاسی تل‌آویو و واشینگتن، احتمال وقوع سناریوهای مختلف را متنفی نمی‌داند. با این حال، سفیر پیشین ایران در قطر، اردن و لبنان، احتمال آغاز جنگ پیش از انتخابات را چندان بربرگ ارزیابی نمی‌کند. به باور او، اگرچه نتانیاهو و ترامپ هر دو به نوعی پیروزی سریع در تقابل با ایران نیاز دارند، تصمیم به آغاز جنگ لزوماً به معنای امکان تحقق چنین پیروزی‌ای نیست و ورود به یک درگیری نظامی می‌تواند پیامدهایی فراتر از محاسبات اولیه آنان داشته باشد. معاون پیشین وزارت امور خارجه در امور خاورمیانه، در عین حال بر ضرورت احیای تفاهم‌نامه و بازگشت به دیپلماسی فعال تاکید دارد و این مسیر را مهم‌ترین راهکار برای جلوگیری از ورود دوباره کشور به جنگ می‌داند. او همچنین از ادبیات و موضع‌گیری برخی مقام‌های ایرانی درباره بسته‌شدن مسیر مذاکرات با آمریکا انتقاد می‌کند و معتقد است نباید با اعلام بن‌بست، ظرفیت‌های دیپلماتیک و امکان تداوم تلاش‌های میانجیگرانه را نادیده گرفت. مشروح گفت‌وگو با محمدعلی سبحانی در ادامه می‌آید.

❗ **با توجه به هم‌زمانی انتخابات پارلمانی اسرائیل و انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، به نظر می‌رسد رقابت‌های انتخاباتی در هر دو به محاسبات مربوط به احتمال رویارویی نظامی با ایران پیوند خورده است. از یک سو، بنیامین نتانیاهو ممکن است تشدید تنش را ابزاری برای تقویت موقعیت انتخاباتی خود بداند و از سوی دیگر، دونالد ترامپ در شرایطی قرار دارد که افکار عمومی آمریکا به‌طور فزاینده‌ای با جنگ مخالفت می‌کند و احتمال شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات کنگره نیز مطرح است.** از منظر شما، این دو انتخابات تا چه اندازه بر تصمیم‌گیری درباره جنگ تأثیرگذارند و کدام‌یک از نظر تئوریک زمان و سرنوشت احتمالی رویارویی با ایران وزن بیشتری دارد؟ آیا می‌توان انتظار داشت نتانیاهو برخلاف ملاحظات واشینگتن، پیش از انتخابات دست به اقدام نظامی بزند؟

اصل این تحلیل شما درست است؛ ما در شرایطی قرار داریم که دو طرفی که با ایران وارد جنگ شده‌اند، هر دو در آستانه انتخابات هستند و طبیعی است که بخواهند از این وضعیت برای افزایش سبب آرای خود بهره ببرند. نتانیاهو در اسرائیل ممکن است اقداماتی انجام دهد که آرای‌دهنده اسرائیلی را به این جمع‌بندی برساند که برای تأمین امنیت و منافع خود به چهره‌ای ماندن او نیاز دارد. چنین فضایی می‌تواند به افزایش آرای نتانیاهو و تقویت جایگاه انتخاباتی او منجر شود. در سوی دیگر، ترامپ با افکار عمومی‌ای در داخل آمریکا مواجه است که به‌طور درخور توجهی ضدجنگ شده است. او در موقعیتی قرار گرفته که به احتمال زیاد انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره را واگذار خواهد کرد.

❗ **ولی همین چاروشن کنیم که حتی شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره نیز به معنای کنار گذاشته‌شدن سناریوی جنگ از سوی ترامپ نیست؟**

بله، شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره لزوماً به معنای آن نیست که اختیارات و امکان تصمیم‌گیری ترامپ برای جنگ دوباره با ایران را از میان ببرد. ترامپ همچنان دو سال دیگر رئیس‌جمهور خواهد بود و ساختار نظام ریاستی آمریکا به‌گونه‌ای است که حتی در صورت شکست در انتخابات کنگره، اگر برای دوره پس از انتخابات تصمیمی اتخاذ کند، همچنان این امکان را دارد که جنگ را به هر شکلی که بخواهد ادامه دهد. البته او با محدودیت‌های حزبی نیز مواجه خواهد بود و طبیعتاً این ملاحظات را در محاسبات خود لحاظ خواهد کرد و بر اساس آن تصمیم خواهد گرفت. بنابراین، اصل پیوند میان شرایط انتخاباتی اسرائیل و آمریکا با محاسبات جنگی ایران درست است، اما اینکه این وضعیت الزاماً به اتخاذ تصمیمی بسیار خطرناک منجر شود، موضوعی است که باید بیشتر بررسی شود.

❗ **اگر بخواهیم بحث را مشخص‌تر بر معادلات انتخابات کنست متمرکز کنیم، به نظر می‌رسد نتانیاهو اکنون با دو مسیر متفاوت مواجه است: آغاز رویارویی نظامی با ایران پیش از انتخابات یا این امید که فضای امنیتی و جنگی بتواند معادلات رای‌گیری را به سود او تغییر دهد، یا به تعویق انداختن هرگونه اقدام نظامی تا پس از انتخابات با این محاسبه که نتایج صندوق‌های رای و مذاکرات دشوار اتلافی، فرصت مناسب‌تری برای پیشبرد اهداف سیاسی و امنیتی او فراهم خواهد کرد. از نگاه شما، کدام‌یک از این دو سناریو با منطق محاسبات نتانیاهو سازگارتر است؟**

طبیعتاً سناریوهای متفاوتی را می‌توان در این زمینه متصور شد. اما بر اساس ارزیابی من، احتمال آنکه نتانیاهو و به‌ویژه دونالد ترامپ پیش از برگزاری انتخابات به اقدام نظامی یا عملیاتی علیه ایران مبادرت کنند، بسیار اندک است. به نظر می‌رسد هر دو بازیگر، دست‌کم در مقطع کنونی، ملاحظات سیاسی و انتخاباتی را در محاسبات خود لحاظ می‌کنند و تمایلی ندارند تا کشودن جبهه‌ای تازه، هزینه‌ها و پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیری را بر خود تحمیل کنند. از این منظر، تعویق هرگونه اقدام عملی تا روشن شدن نتایج انتخابات، سناریویی محتمل‌تر به نظر می‌رسد.

❗ **ولی امکانش صفر نیست، هست؟**

بی‌تردید نمی‌توان احتمال تغییر ناگهانی محاسبات و وقوع تحولات پیش‌بینی‌نشده را به‌یگلی منفی دانست. حتی اگر در نهایت جنگی رخ ندهد، انتظار می‌رود فضای سیاسی و امنیتی منطقه در روزهای باقی‌مانده تا برگزاری انتخابات کنست اسرائیل

نگاهی به ملاحظات انتخاباتی در شکل‌دهی محاسبات نهایی ترامپ و نتانیاهو درباره ایران

«جنگ» به وقت «رای»؟

عبدالرحمن فتح‌اللهی: در فاصله ۴۸ ساعت تا انتخابات کنست و ۹ روز تا انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، سایه یک پرسش بر معادلات سیاسی و امنیتی منطقه سنگینی می‌کند: آیا سرنوشت صندوق‌های رای، زمان و ابعاد رویارویی احتمالی با ایران را تعیین خواهد کرد؟ هم‌زمانی این دو انتخابات، گمانه‌زنی‌ها درباره نسبت میان رقابت‌های سیاسی واشینگتن و تل‌آویو با احتمال تشدید تنش نظامی را افزایش داده است؛ با این تفاوت که به نظر می‌رسد در مقطع کنونی، نتیجه انتخابات اسرائیل می‌تواند تأثیری مستقیم‌تر و فوری‌تر بر محاسبات مربوط به جنگ داشته باشد. از همین رو، کانون توجهات بیش از هر زمان دیگری به سرزمین‌های اشغالی معطوف شده است: جایی که بنیامین نتانیاهو در آستانه آزمون سرنوشت‌ساز قرار دارد و هر تصمیم امنیتی او می‌تواند با پیامدهای انتخاباتی گره بخورد. پرسش فقط این نیست که آیا نخست‌وزیر اسرائیل برای تغییر فضای سیاسی به تشدید بحران روی خواهد آورد؛ مسئله این است که آیا اساساً فرصت و مصلحتی برای چنین اقدامی پیش از رای‌گیری وجود دارد یا حفظ دستاوردهای احتمالی انتخاباتی، او را به خویش‌ستنداری موقت وادار خواهد کرد؟ در یک سوی این معادله، احتمال اقدام نظامی پیش از انتخابات و تأثیر آن بر فضای رای‌دهندگان قرار دارد؛ در سوی دیگر، این محاسبه که شاید تعویق تنش تا پس از انتخابات، امکان بهره‌برداری سیاسی از تحولات نظامی و باآرزایی ائتلاف‌های قدرت را فراهم کند. با این همه، هیچ‌یک از این مسیرها قطعی نیست. اکنون پرسش اصلی نه صرفاً وقوع جنگ، بلکه زمان تصمیم‌گیری درباره آن است: تصمیمی که ممکن است بیش از آنکه تابع تقویم نظامی باشد، از تقویم سیاسی تل‌آویو تأثیر بپذیرد. برای کشودن ابعاد پنهان پیوند میان رقابت‌های انتخاباتی اسرائیل و محاسبات جنگی تل‌آویو و واوای تأثیر سرنوشت کنست بر احتمال رویارویی با ایران، پای صحبت محمدعلی سبحانی، معاون پیشین خاورمیانه وزارت امور خارجه، در دولت اصلاحات و سفیر پیشین ایران در قطر، لبنان و اردن و علی‌اصغر زرگر، مدرس دانشگاه و تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل نشستیم تا از منظر دیپلماتی و تحلیل سیاسی، سناریوهای پیش‌روی منطقه را بررسی کنیم.



در گفت‌وگوی «شرق» با محمدعلی سبحانی عنوان شد:

هنوز می‌توان مانع جنگ شد

و انتخابات کنگره آمریکا به‌شدت ملتهب و همراه با مواضع تند و تهدیدهای فزاینده باشد. در چنین شرایطی، نباید تأثیر جنگ روانی و تهدیدهای نظامی را بر معادلات انتخاباتی نادیده گرفت. ❗ **اگر اقدام نظامی پیش از انتخابات چندان محتمل نیست، اظهارات مکرر نتانیاهو درباره تغییر نظام در ایران و اعلام تغییر راهبرد امنیتی اسرائیل به سمت حملات پیش‌دستانه را چگونه باید تحلیل کرد؟ آیا این مواضع صرفاً بخشی از جنگ روانی و ملاحظات انتخاباتی اوست یا از تغییر واقعی در دگرترسب نظامی تل‌آویو و آمادگی برای تشدید تقابل با ایران حکایت دارد؟**

برای نتانیاهو بهره‌گیری از فضای تهدید و تنش لزوماً مستلزم ورود به یک جنگ تمام‌عیار نیست. او می‌تواند بدون آنکه هزینه‌های سنگین یک درگیری نظامی مستقیم را بپذیرد، از طریق تداوم تهدیدهای نظامی، برجسته‌سازی خطر ایران و القای احتمال وقوع رویارویی، فضای سیاسی و اجتماعی اسرائیل را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، مسائل امنیتی به‌دولت اصلی افکار عمومی تبدیل می‌شوند و موضوعاتی مانند بحران‌های داخلی، اختلافات سیاسی، ناکامی‌های دولت و انتقادهای عملکرد نتانیاهو ممکن است اندازه‌ای به حاشیه رانده شوند. از این منظر، ایجاد فضای اضطراب امنیتی می‌تواند برای نخست‌وزیر اسرائیل کارکرد انتخاباتی داشته باشد. نتانیاهو می‌کوشد خود را رهبری نشان دهد که در برابر تهدیدهای خارجی ایستاده و برای تأمین امنیت اسرائیل از هیچ اقدامی عقب‌نشینی نمی‌کند. طبیعی است که در چنین فضایی، طرح مکرر گزینه نظامی و حتی سخن‌گفتن از حمله پیش‌دستانه، می‌تواند به تقویت این تصویر کمک کند؛ تصویری که او برای جلب حمایت بخش‌هایی از جامعه اسرائیل به آن نیاز دارد. نکته مهم این است که تهدید نظامی، حتی اگر به اقدام عملی منجر نشود، می‌تواند به‌خودی‌خود بخشی از راهبرد سیاسی و امنیتی نتانیاهو باشد. او ممکن است با حفظ سطحی از تنش حمایت‌شده، هم بر محاسبات ایران و بازیگران منطقه‌ای اثر بگذارد و هم فضای انتخاباتی داخل اسرائیل را به سمتی هدایت کند که امنیت و مقابله با تهدیدهای خارجی، محور اصلی رقابت‌ها قرار گیرد. بنابراین، نباید هر تهدیدی را الزاماً مقدمه آغاز جنگ دانست؛ گاهی خود تهدید، ابزار تحقق اهداف سیاسی است.

❗ **در آمریکا چطور؟**

محاسبات واشینگتن لزوماً با ملاحظات تل‌آویو همخوانی ندارد. ❗ **چطور؟ یعنی نتانیاهو و ترامپ اکنون درباره حمله دوباره به ایران پیش از انتخابات با هم اختلاف نظر دارند؟ حداقل در ظاهر مواضع، اختلاف‌نظری بین نتانیاهو و ترامپ وجود ندارد.**

اولاً باید توجه داشت همه اظهارنظرهای سیاسی، به‌ویژه مواضعی که در آستانه انتخابات مطرح می‌شوند، الزاماً بیانگر تصمیم‌ها و اراده واقعی بازیگران نیستند. در چنین مقطعی، سخنان سیاست‌مداران اغلب با ملاحظات تبلیغاتی و انتخاباتی آمیخته می‌شود و گاه پیش از آنکه بازتاب‌دهنده یک راهبرد عملیاتی باشند، با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی، بسیج پایگاه اجتماعی و ارسال پیام به رقبای داخلی و خارجی بیان می‌شود. بنابراین، نمی‌توان صرفاً بر اساس ادبیات تند یا تهدیدهای نظامی، درباره احتمال وقوع جنگ یا تغییر قطعی در محاسبات امنیتی قضاوت کرد. برای ارزیابی دقیق‌تر، باید میان مواضع اعلامی و نشانه‌های عملی تصمیم‌گیری، ازجمله تحرکات نظامی، هماهنگی‌های دیپلماتیک و رفتار واقعی بازیگران، تمایز قائل شد. نکته دوم به تفاوت محاسبات واشینگتن و تل‌آویو بازمی‌گردد. جمهوری‌خواهان و شخص دونالد ترامپ به‌خوبی می‌دانند در شرایط کنونی انتخابات کنگره، منافع دولت و جامعه آمریکا لزوماً با تشدید تنش با ایران یا ورود به یک جنگ تازه هم‌راستا نیست. هرگونه درگیری نظامی می‌تواند هزینه‌های سنگین و چندوجهی سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای ایالات متحده به همراه داشته باشد؛ هزینه‌هایی که دامنه آنها ممکن است از پیامدهای منطقه‌ای فراتر برود و بر اقتصاد، امنیت و فضای سیاسی داخلی آمریکا

اثر بگذارد. ❗ **ولی اینجا جا دارد تحلیل شما را زیر سؤال ببرم. چون دونالد ترامپ هفته گذشته به‌صرحت از نتانیاهو حمایت کرد. اگر آن‌گونه است که شما می‌گویید، پس چرا شاهد این اعلام حمایت رسمی بودیم؟** این دو موضوع هیچ‌گونه منافاتی با یکدیگر ندارند. تردیدی نیست که دونالد ترامپ خواهان پیروزی نتانیاهو در انتخابات اسرائیل است و حمایت از او را بخشی از محاسبات سیاسی و راهبردی خود می‌داند. به همین دلیل نیز شاهدیم که ترامپ در فضای انتخاباتی اسرائیل حضور فعال پیدا کرده و عملاً رفتار شیبه به یک حامی انتخاباتی تمام‌عیار از خود نشان می‌دهد؛ گویی موفقیت نتانیاهو در این انتخابات را بخشی از موفقیت سیاسی خود تلقی می‌کند. اظهارات، موضع‌گیری‌ها و حتی برخی تصمیم‌های او به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که نتانیاهو بتواند از آنها به عنوان دستاوردی سیاسی در رقابت‌های داخلی اسرائیل بهره‌برداری کند. در واقع، ترامپ با این رویکرد می‌کوشد موقعیت نخست‌وزیر اسرائیل را تقویت کند و به‌او امکان دهد خود را برخوردار از حمایت بی‌قیدوشرط واشینگتن نشان دهد. دلیل این حمایت نیز صرفاً به مناسبات شخصی دور رهبر محدود نمی‌شود. ترامپ برای معادلات منطقه‌ای و تحولات پس از انتخابات اسرائیل، به نتانیاهو به عنوان شریکی نیاز دارد که بتواند در پیشبرد برخی اهداف و ترتیبات سیاسی و امنیتی مدنظر او نقش‌آفرینی کند. از این منظر، پیروزی نتانیاهو می‌تواند برای دولت ترامپ واجد اهمیت باشد و به‌این‌حال، حمایت انتخاباتی از نتانیاهو را نباید به معنای موافقت واشینگتن با آغاز جنگ علیه ایران در مقطع کنونی دانست. به نظر می‌رسد ترامپ و جمهوری‌خواهان، دست‌کم تا زمان روشن‌شدن نتیجه انتخابات کنگره آمریکا، تمایلی به کشودن جبهه‌ای تازه و ورود به یک درگیری نظامی پر هزینه ندارند. آنها ترجیح می‌دهند از ظرفیت حمایت سیاسی و دیپلماتیک خود برای تقویت نتانیاهو استفاده کنند، بی‌آنکه الزاماً هزینه‌هایی یک جنگ جدید را بپذیرند. بنابراین می‌توان هم‌زمان حامی پیروزی انتخاباتی نتانیاهو بود و در عین حال، آغاز جنگ با ایران را به زمانی دیگر موکول کرد. این دو رویکرد نه‌تنها متناقض نیستند، بلکه می‌توانند دووجه مکمل از راهبرد فعلی ترامپ باشند.

❗ **اجازه دهید فرض دیگری را مطرح کنم. اگر نتانیاهو به این**

جمع‌بندی برسد که برای تغییر معادلات انتخاباتی و تثبیت موقعیت سیاسی خود، به یک دگرگونی نظامی با ایران پیش از انتخابات نیاز دارد، آیا حاضر خواهد بود برخلاف ملاحظات و ترجیحات جمهوری‌خواهان و ترامپ عمل کند؟ و به بیان دقیق‌تر، آیا اسرائیل از نظر نظامی و راهبردی این ظرفیت و اختیار را دارد که بدون همراهی یا حتی برخلاف خواست آمریکا، جنگی علیه ایران آغاز کند؟ و اگر چنین اقدامی صورت بگیرد، تا چه اندازه می‌توان آن را تصمیمی مستقل از واشینگتن دانست. نه اقدامی که دست‌کم به پشتیبانی، هماهنگی یا چراغ سبز ضمنی آمریکا نیاز دارد؟

معادلات انتخاباتی در آمریکا و اسرائیل، در کنار پیچیدگی‌های امنیتی و راهبردی منطقه، این امکان را ایجاد می‌کند که طیف متنوعی از سناریوها درباره احتمال وقوع جنگ با ایران همچنان روی میز باقی بماند. ازاین‌رو، همان‌طور که در پرسش شما نیز مطرح شد، نمی‌توان یکی از احتمالات مهم را نادیده گرفت؛ اینکه نتانیاهو در مقطعی تصمیم بگیرد خارج از چارچوب کلی توافقات و هماهنگی‌های راهبردی با واشینگتن، دست به اقدامی یک‌جانبه بزند؛ اقدامی که ممکن است به آغاز دور تازه‌ای از درگیری نظامی و حتی گسترش آن به یک جنگ تمام‌عیار منجر شود. البته چنین تصمیمی لزوماً به معنای قطع مناسبات با آمریکا نیست، اما می‌تواند نشانه‌ای از ترجیح ملاحظات سیاسی و امنیتی کوتاه‌مدت نتانیاهو بر برخی ملاحظات و محاسبات دولت ترامپ باشد. باین‌حال، مسئله مهم‌تر آن است که حتی در صورت وقوع چنین حمله‌ای، نمی‌توان از پیش درباره پیامدهای انتخاباتی آن قضاوت قطعی کرد.

❗ **حالا لزوماً جنگ با ایران به سود نتانیاهو خواهد بود؟**

ایسن تصور که هرگونه اقدام نظامی علیه ایران الزاماً به تقویت موقعیت نتانیاهو و افزایش آرای او منجر خواهد شد، برداشتی ساده‌انگارانه از واقعیت‌های سیاسی اسرائیل است. واکنش افکار عمومی به جنگ، به عوامل متعددی از جمله میزان موفقیت عملیات، هزینه‌های انسانی و اقتصادی، دامنه پاسخ ایران و پیامدهای امنیتی آن برای جامعه اسرائیل بستگی دارد. افزون براین، در جامعه آمریکا و افکار عمومی جهانی نیز دیدگاه‌های متفاوتی درباره چنین جنگی وجود دارد. بنابراین، اقدام نظامی می‌تواند به همان اندازه که برای نتانیاهو فرصت سیاسی ایجاد می‌کند، به‌ عاملی برای افزایش فشارها و تضعیف موقعیت او تبدیل شود. در نهایت، جنگ انتخاباتی قابل پیش‌بینی و تضمین‌شده برای هیچ‌یک از طرف‌ها نیست. لذا این احتمال نیز مطرح است که اقدامی نظامی صورت بگیرد، اما به نتیجه مورد انتظار نرسد و ناکام بماند. در چنین شرایطی، نتنها اهداف مورد نظر آنها محقق نخواهد شد، که معادله تصمیم‌گیری درباره ایران را امنیتی‌نامطلوبی نیز به دنبال داشته باشد. به همین دلیل است که به تحلیل قبلی خودم بازمی‌گردم و مجدداً تاکید می‌کنم، برداشت من این است که احتمال آغاز جنگ پیش از انتخابات چندان زیاد نیست. البته این یک پیش‌بینی قطعی نیست؛ زیرا واقعیت این است که دشمنی که امروز در برابر ایران قرار گرفته، ترکیب آمریکا و اسرائیل، یعنی ترامپ و نتانیاهو، ترکیبی بسیار خطرناک و غیرقابل پیش‌بینی است.

❗ **اجازه دهید بار دیگر از زاویه‌ای متفاوت و با فرض بدبینانه‌تر به موضوع نگاه کنم و احتمال وقوع جنگ پیش از انتخابات اسرائیل را آمریکا را جدی بگیریم. اگر چنین سناریویی محقق شود، آیا باید انتظار داشت درگیری احتمالی، مطالبه برخی ارزیابی‌ها و گزارش‌های منتشرشده، جنگی محدود، کوتاه‌مدت و مبتنی بر عملیات سریع و ضربتی باشد، یا اساساً نمی‌توان دامنه و مدت آن را از پیش کنترل و پیش‌بینی کرد؟ به بیان دیگر، چه عواملی می‌تواند مانع گسترش یک رویارویی محدود به جنگی فرسایشی و منطقه‌ای شود؟**

ارزیابی من همچنان این است که نتانیاهو و ترامپ به‌سادگی به این جمع‌بندی نخواهند رسید که پیش از برگزاری انتخابات، جنگی علیه ایران آغاز کنند. یکی از دلایل اصلی این احتیاط آن است که هر دو دست‌کم در محاسبات سیاسی خود، به دنبال دستیابی به یک پیروزی سریع و قابل عرضه به افکار عمومی هستند؛ پیروزی‌ای که بتواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن به دستاوردی ملموس برای آنها تبدیل شود و موفقیت انتخاباتی‌شان را تقویت کند. اما مسئله اینجاست که در شرایط کنونی، هیچ تضمینی وجود ندارد که یک درگیری نظامی با ایران مطابق چنین محاسبه‌ای پیش برود. نه می‌توان از پیش درباره مدت جنگ اطمینان داشت و نه می‌توان تضمین کرد دامنه و پیامدهای آن در چارچوبی محدود باقی بماند. حتی ممکن است یک عملیات نظامی که با تصور دستیابی به نتیجه‌ای سریع آغاز می‌شود، به بحرانی گسترده و پر هزینه تبدیل شود و به‌جای ایجاد دستاورد سیاسی، هزینه‌های سنگینی برای آغازکنندگان آن به همراه داشته باشد. بنابراین، پذیرش چنین ریسک بزرگی در آستانه انتخابات، از منظر محاسبات عقلانی سیاسی چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. باین‌حال، این ارزیابی به معنای منفی دانستن احتمال جنگ جنگ نیست. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، ترکیب سیاسی و راهبردی ترامپ و نتانیاهو، ترکیبی پیچیده، غیرقابل پیش‌بینی و بالقوه خطرناک است. تفاوت در انگیزه‌ها، محاسبات شخصی و اولویت‌های سیاسی این دو رهبر می‌تواند زمینه‌ساز تصمیم‌هایی شود که پیامدهای آن به‌سادگی قابل کنترل نباشد. ازاین‌رو، ایران نباید صرفاً براساس این فرض که طرف مقابل از هزینه‌های جنگ گناه‌گاست، احتمال وقوع درگیری را نادیده بگیرد.

❗ **گفت‌وگوی کامل را در سایت شرق بخوانید**